

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهارادب)

علمی^۱

سال دوازدهم- شماره چهارم- زمستان ۱۳۹۸- شماره پیاپی ۴۶

بررسی سبکی و محتوایی منظومه حماسی- تاریخی: «شاهنامه نادری»

اثر میرزا محمد علی طوسی (فردوسی ثانی)

(ص ۳۳۹-۳۶۲)

هدیه یوسفی^۲، محمود طاووسی (نویسنده مسئول)^۳، مریم امیرارجمند^۴

تاریخ دریافت مقاله: تابستان ۹۷

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: تابستان ۹۷

چکیده

پرده برداشتن از آثار ناشناخته و کشف ذخایر فرهنگی گذشتگان و بررسی همه‌جانبه این آثار از وظایف اصلی محققان این مرز و بوم است. یکی از این آثار شاهنامه نادری، منظومه‌ای حماسی-تاریخی است که محمد علی طوسی، آنرا در موضوع زندگی و فتوحات نادرشاه در اوایل قرن دوازدهم هجری قمری در بحر متقارب و در ۵۳۱۳ بیت سروده است. در این مقاله که به روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی نوشته شده است به بررسی سبک‌شناسی این اثر پرداخته‌ایم.

هدف اصلی این مقاله بررسی و تعیین ویژگیهای سبکی در شاهنامه نادری است. نتایج تحقیق نشان میدهد که شاهنامه نادری از آثار دوران بازگشت محسوب میشود که محتوای آن بیان حوادث و رخدادهای تاریخی دوران نادرشاه و دارای ویژگیهای سبک خراسانی از قبیل: واژگان قدیمی، کاربرد افعال در شکل کهن، استفاده از تشبیهات مفرد و حسی و... است.

کلمات کلیدی: سبک‌شناسی، شاهنامه نادری، محمد علی طوسی، حماسه تاریخی-ادبی

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده اند.

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.
(hedieh.yousefi1359@yahoo.com)

۳- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.
(tavoosimahmood@yahoo.com)

۴- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.
(Amir_arjmand_maryam@yahoo.com)

A Stylistic and Content Study of the Epic-Historical System: The Naderi Shahnameh

Hedieh Yoosefi^۱, Mahmoud Tavoosi(corresponding Author)^۲, Maryam Amir Arjmand^۳

Abstract:

Unearthing unknown artifacts and discovering the cultural treasures of the past and conducting an in-depth study of these artifacts is one of the main tasks of researchers in this area. One of the works of Naderi's Shahnameh is an epic-historical poem written by Mohammad Ali Tusi on the subject of Nader Shah's life and conquests in the early twelfth century AH in 5313 bits. In this paper, which is written in a descriptive-analytical way, we have studied the stylistics of this work.

The main purpose of this paper is to investigate and determine the stylistic features of the Naderi Shahnameh. The research results show that Rare Shahnameh is one of the works of the return period whose content expresses the historical events and events of Nader Shah period and has Khorasani style features such as: old vocabulary, use of verbs in ancient form, use of singular and intuitive syllables, etc. Is.

Keywords: Stylistics, Naderi Shahnameh, Mohammad Ali Tusi,

Historical-Literary Epic

¹ - Ph.D Student in Persian Language and Literature, Department of Persian Language and Literature, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran. (hedieh.yousefi1359@yahoo.com)

² - Professor of Persian Language and Literature, Department of Persian Language and Literature, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran. (tavoosimahmood@yahoo.com)

³ - Assistant Professor of Persian Language and Literature, Department of Persian Language and Literature, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran. (Amir_arjmand_maryam@yahoo.com)

۱- بیان مساله

یکی از انواع ادبی مهم و قدیمی، نوع حماسه است. حماسه یکی از جالبترین و جذابترین شاخه‌های جداسده از درخت تنومند و بارور زبان و ادب فارسی است، چراکه در حقیقت مقابله نیروهای اهورایی با قدرتهای اهریمنی و مبارزه با جهل و کفر و بیداد است که همراه با جان‌فشانیها و رشادتهاست. علاوه بر این، قهرمان حماسی نقش‌آفرین رخدادهای رزمی و پهلوانی است که در راه پاسداری از آب و خاک، فرهنگ، اخلاق، آزادی و عدالت خواهی و... کوشیده است.

این نوع ادبی را به چهار دسته اساطیری-ملی، تاریخی، دینی و عرفانی طبقه‌بندی میکنند. تا پایان قرن پنجم هجری، بیشتر حماسه‌ها از نوع اساطیری-ملی هستند؛ اما از اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری، به دلیل فراموش شدن افتخارات نژادی-ملی و کم شدن رغبت شعرا به سرودن این نوع از حماسه، منظومه‌های حماسی تاریخی و دینی رواج پیدا میکنند. حماسه‌های تاریخی به آن دسته از منظومه‌هایی گفته میشود که قهرمان اصلی آنها را یک شخصیت تاریخی و یا یک یا چند حکومت سیاسی تشکیل بدهد. اما متأسفانه چنانکه باید توجه چندانی به بررسی حماسه‌های تاریخی نشده است و تنها تعداد کمی از این آثار تصحیح و چاپ شده‌اند و بسیاری هنوز هم به شکل نسخه خطی در کتابخانه‌ها موجودند.

یکی از مهمترین حماسه‌های تاریخی «شاهنامه ندری» اثر محمد علی طوسی معروف به فردوسی ثانی است. در این مقاله به بررسی ویژگیهای سبکی این اثر از منظر سبک‌شناسی ساختارگرا پرداخته‌ایم. هدف اصلی این مقاله، بررسی ویژگیهای برجسته زبانی، ادبی و فکری منظومه «شاهنامه ندری» است.

۱-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق

برای شناخت خصایص نژادها، ملل جهان، مجاهدت و رنجهای ایشان در تکوین تمدن، ملیت و نیز در معرفت به قوه خیال، فکر و میزان استعداد آنها، منظومه‌های حماسی یکی از بهترین منابع تحقیق است. از این رو بر هر ملتی تحقیق در داستانها و منظومه‌های حماسی خود و یافتن ریشه‌ها و بنیاد آنها واجب است. تحقیق در این آثار وسیله آگاهی بر سرگذشت هر ملت در قدیمترین ایام زندگی است. لذا متون حماسی از اهمیت ویژه و فوق‌العاده‌ای چه از نظر فرم و ساختار و چه از دیدگاه محتوا و مضامین برخوردار هستند و بررسی سبکی، ادبی و محتوایی آنها یکی از ضروریات کارهای ادبی و علمی است.

۱-۲- روش تحقیق

این مقاله براساس مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

۱-۳- پیشینه تحقیق

در کتب زیر بیشتر به اطلاعات تکراری و اندک درمورد شاهنامه نادری و شخصیت سراینده آن پرداخته‌اند: آتشکده آذر (۱۷۴ ه.ق) اثر لطفعلی بیک آذر بیگدلی؛ مجمل‌التواریخ (۱۹۵ ه.ق) اثر ابوالحسن بن محمد امین گلستانه؛ مقالات الشعرا (۱۹۵۷ ه.ق) میرعلی شیر قانع تتوی؛ حماسه‌سرایی در ایران (۱۳۲۴ ه.ش) اثر ذبیح‌الله صفا؛ الذریعه‌الی تصنیف الشیعه (۱۳۳۶ ه.ش) محمد حسن منزوی معروف به علامه شیخ‌آقا بزرگ طهرانی؛ فرهنگ سخنوران (۱۳۴۰ ه.ش) عبدالرسول خیام‌پور؛ مولفین کتب چاپی فارسی و عربی (۱۳۴۲ ه.ش) تالیف خان‌بابا مشار؛ تاریخ ادبیات ایران (۱۳۵۲ ه.ش) صادق رضازاده شفق؛ عالم‌آرای نادری (۱۳۶۴ ه.ش) محمدکاظم مروی؛ اثر آفرینان (۱۳۷۹ ه.ش)؛ قلمرو ادبیات حماسی ایران (۱۳۸۱) حسین رزمجو.

و در رساله‌ها و مقالات زیر این اثر را از مناظر گوناگونی بررسی کرده‌اند، ولی تاکنون تحقیقی که به بررسی سبکی آن پرداخته باشد، یافت نشد:

حاتمی، زهرا (۱۳۸۷) در مقاله «شاهنامه نادری» درباره زندگی و شخصیت نادرشاه قبل و بعد از رسیدن به سلطنت بررسی کرده است. **رضایی شعبانی، کمال (۱۳۹۴)** در مقاله «تحلیل مولفه‌های تاریخی - ادبی منظومه حماسی شاهنامه نادری» به میزان توصیفات ادبی که این اثر را از یک اثر تاریخی محض، متمایز میکند، پرداخته است. **اسماعیل‌نژاد، محمد (۱۳۹۵)** در پایان‌نامه خود با عنوان «تطبیق نظریه قدرت با شاهنامه نادری» نظریه قدرت را در شخصیت نادرشاه بررسی کرده است. **رضایی شعبانی، کمال (۱۳۹۵)** در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی و تحلیل شاه‌اسماعیل‌نامه و شاهنامه نادری و مقایسه آنها با شاهنامه فردوسی» این دو حماسه را از منظر زبانی، ادبی و فکری با شاهنامه فردوسی مقایسه کرده است.

۲- معرفی «شاهنامه نادری»

شاهنامه نادری منظومه‌ای حماسی در وزن «فعولن فعولن فعولن فعل (فعول)» و در بحر «مقارب مثنی محذوف (مقصور)» و در ۵۳۱۳ بیت است که میرزا محمدعلی طوسی آن را درباره فتوحات نادرشاه افشار در قرن دوازدهم، در قالب مثنوی سروده است. محمدعلی طوسی «اصالتاً طوسی بوده و خود را از نوادگان فردوسی می‌دانسته است و شاید به سبب این انتساب ملقب به «فردوسی ثانی» شده است» (مقدمه شاهنامه نادری، سهیلی خوانساری: ۹).

شاهنامه نادری در گروه حماسه‌های تاریخی قرار گرفته است. ابیات این منظومه توسط سهیلی خوانساری در سال ۱۳۳۹ تصحیح شد. سهیلی خوانساری در مقدمه بیان کرده است

که: «ابیات این مجموعه بیشتر از اینها بوده است» (مقدمه شاهنامه نادی، سهیلی خوانساری: ۱۰). مولف کتاب حماسه سرایی در ایران شمار ابیات این مجموعه را بدون ذکر منبع ۷۵۰۰ بیت ذکر کرده است (حماسه سرایی در ایران، ج ۵، صفا: ۳۶۹). از سوی دیگر نویسنده «عالم آرای نادی» از معاصران محمد علی طوسی در شرح احوال نادرشاه در کتابش تصریح کرده است که: «شاعر به امر نادرشاه به نظم این مجموعه همت گماشته است» (تاریخ عالم آرای نادی، مروی: ۲۹۵). از این شاهنامه دو نسخه در دست است که یکی متعلق به کتابخانه ملی ملک و با خطی شکسته در سال ۱۲۱۳ ه.ش نوشته شده است و دیگری متعلق به کتابخانه آقای حاج حسین نخجوانی و به خط نسخ فردی به نام علی اشرف آن را برای یحیی خان بیگلربیگی ارومی به رشته تحریر درآورده است. (مقدمه شاهنامه نادی، سهیلی خوانساری: ۱۱) شاعر، اثر خود را «شهنشاهنامه» (بیت: ۴۹۳) و «شهنامه نادی» (بیت: ۳۴۷۲) نامیده است، این اثر همچنین به نامهای «منظومه نادی» (حماسه سرایی در ایران، صفا: ۳۷۳) «نادرنامه» (فرهنگ کتابهای فارسی، مدبری: ۴۰۳) و «نادرشاهنامه» (اثر آفرینان، نوایی: ۲۷۳) نیز مشهور است.

۳- ویژگیهای سبکی و محتوایی اثر

۳-۱- سطح زبانی

زبان، سطحیترین و ملموسترین عنصر موجود در هر اثر ادبی است و شعر از هم نشینی منظم و مرتب عناصر زبانی و توافق آوایی، واژگانی و معنایی آنها با یکدیگر آفریده میشود. «محتوای یک اثر ادبی با عاطفه و تخیل صاحب اثر مرتبط است و در زبان متجلی میشود، به عبارتی دیگر، زبان ظرف بیان محتوا، اندیشه، عاطفه و تخیل است. محور همه تحولات شعر به زبان و روابط اجزای آن است. محتوا در ذهن شکل میگیرد و زبان به صورت گفتار و نوشتار شکل ملموس آن محتوا است، به همین علت وقتی ذهن و اندیشه با موضوع حماسی درگیر میگردد، زبان هم حماسی میشود. (ادوار شعر فارسی، شفیع کدکنی: ۱۹) زبان حماسی، زبانی فاخر و دارای سبک عالی و الفاظ سنگین است که آن را از زبان معیار متمایز میکند و به آن برجستگی خاصی میدهد. سطح زبانی، مقوله‌ای گسترده است، بنابراین آنرا به سه سطح کوچکتر: آوایی، لغوی و نحوی تقسیم میکنند:

۳-۱-۱- سطح آوایی

در این سطح، ابزار موسیقی آفرین متون، از جمله موسیقی بیرونی و درونی و برخی مسائل موسیقی آفرین مانند: الف اطلاق، ابدال و...مورد بررسی قرار میگیرد.

موسیقی بیرونی: وزن

وزن یکی از مهمترین عوامل موسیقی آفرین شعر فارسی است و باعث ایجاد لذت موسیقایی در هر متنی میشود. «هریک از اوزان شعری، وزن و آهنگی خاص دارد که با

توجه به هر نوع شعری، محتوا و حالت خاصی را القا میکنند. شعر حماسی نیازمند وزنی حماسی است و بهترین وزن برای بیان این محتوا همان بحر: متقارب مثنی‌محدوف/ مقصور و وزن: فعولن فعولن فعولن فعل است. در این بحر نسبت هجاهای بلند به کوتاه بیشتر است و همین امر باعث صلابت اشعار حماسی شده است. تمام اوزانی که شمار هجاهای بلند آن نسبت به هجاهای کوتاه بیشتر است، حالت عاطفی شدیدتر و مهیجتری را به شنونده القا میکنند و به عکس برای حالات ملایم و آرامش از اوزانی بهره می‌برند که تعداد هجاهای کوتاه آن بیشتر از بلند باشد. (الگوی بررسی زبان حماسی، شهبازی و ملک ثابت: ۱۴۹) در هر صورت این وزن چنان شایسته فضای حماسی است که تمام شاعران حماسی سرا (تاریخی، ملی و دینی) از همین بحر استفاده کرده‌اند. از جمله ویژگیهای مهم این بحر، سختگی و شکوه آن است که از مناسبترین اوزان برای سرودن یک اثر حماسی است. شاهنامه نادی نیز منظومه‌ای حماسی در همین وزن است و محمدعلی طوسی توانسته است با رعایت این وزن، آهنگ کلی حماسی را در اثر خود حفظ کند، حتی در مواردی که سخن از حماسه نیست (خصوصاً در بخش ساقی‌نامه‌ها) و در مورد موضوعاتی چون دعوت به شادی، اغتنام فرصت، پند و اندرز و... صحبت میکند، توانسته با مهارت خاص استفاده از آواها، لحن حماسی را در شعر خود حفظ کند.

موسیقی کناری: قافیه و ردیف

« قافیه در اشعار حماسی باید تداعی‌کننده فضای حماسی و در واقع مکمل آن باشد. موسیقی حاصل از آواها و کلمات را تکمیل کند. حسی و عینی باشد و با فضای حماسی هماهنگی کامل داشته باشد. البته در اشعار حماسی، به دلیل تقدیم فعل و ساختار نحوی خاص، اکثر قافیه‌ها اسمی هستند. هرچه میزان حروف مشترک قافیه بیشتر باشد، موسیقی بیشتری را القا میکند. بخصوص قوافی مختوم به «آ» و «او» تعظیم و تفخیم و صلابت را القا میکنند. (موسیقی شعر: شفیعی کدکنی: ۳۵۷)

در بررسی قافیه در این اثر، مبنای کار، تقسیم بندی دکتر شفیعی کدکنی در موسیقی شعر است. ایشان قافیه را به سه نوع تقسیم میکنند: ۱- قافیه با حروف اصلی: که در آنها غیر از حروف اصلی قافیه، حروف بیشتری رعایت نشده است. ۲- قافیه اعناتی: که صامتها و مصوت‌های مشترک بیشتری غیر از حروف اصلی قافیه در آن رعایت شده است. ۳- قافیه ردیفی: که قافیه با ردیف همراه است. بنابراین هرچه کلمات مشترک قافیه بیشتر باشد، آهنگ و تاثیر قافیه بیشتر خواهد بود، اما در شاهنامه نادی حروف مشترک میان قوافی زیاد نیست و در نهایت بین دو یا سه حروف، مشترک است. در این اثر، تعداد ۴۱۵۷ بیت، قافیه با حروف اصلی، ۴۶۷ بیت، قافیه اعناتی و ۶۸۹ بیت، قافیه ردیفی است. این آمار نشان میدهد که فردوسی ثانی در کاربرد قافیه به جنبه موسیقایی اثر توجه چندانی نداشته است. البته در

این اثر میزان حروف مشترک بین قافیه‌های فعلی بیشتر از حروف مشترک بین قافیه‌های اسمی است که باعث تاثیر بیشتر قوافی فعلی شده است.

یکی دیگر از ویژگیهای آثار حماسی، مقدم شدن فعل بر دیگر اجزای جمله است، بر طبق همین اصل، در شاهنامه نادرى بیشتر قافیه‌ها اسمی هستند، زیرا در اشعار حماسی و همین اثر، برای صلابت معنا و تحکم متن، فعل بر دیگر اجزاء مقدم میشود. از روی همین اصل، در شاهنامه نادرى، تنها ۳۸۹ بیت (هشت درصد) فعلی هستند.

تعداد کل ابیات	قافیه با حروف اصلی	قافیه اعراتی	قافیه ردیفی	قافیه فعلی	قافیه اسمی
۵۳۱۳	۴۱۵۷	۴۶۷	۶۸۹	۳۸۹	۴۹۲۶

از ۵۳۱۵ بیت شاهنامه نادرى، تنها ۶۸۹ بیت دارای ردیف است. «غالباً ردیفها کوتاه و کم و ساده هستند، زیرا ردیفهای بلند از حالت جزالت شعر حماسی میکاهند. البته ردیف هم در شعر حماسی باید اسمی باشد، چون اگر فعلی باشد از علو لفظ و صلابت زبان میکاهد.» (الگوی بررسی زبان حماسی، شهبازی و ملک ثابت: ۱۵۳) اما در این اثر از تعداد ۶۸۹ بیت مردف، تعداد ۴۷۸ بیت ردیف فعلی دارند و همین امر باعث کاهش صلابت و روح حماسی در این ابیات شده است.

از مجموع ردیفهای فعلی (۴۷۸ مورد)، بسامد ردیفهای غیرربطی نسبت به ردیفهای ربطی بیشتر است، تعداد ۲۹۹ مورد مربوط به ردیفهای غیر ربطی و ۱۷۹ مورد مربوط به ردیفهای ربطی است. از میان افعال غیر ربطی، مشتقات فعل «کردن» (۱۱۱ مورد) و از میان افعال ربطی مشتقات فعل «شدن» (۱۰۹ مورد) بسامد بیشتری نسبت به دیگر افعال دارند. از میان ردیفهای اسمی، واژه «زمین» با ۱۴ مورد بسامد بیشتری در میان دیگر اسامی دارد. اسامی دیگری که به عنوان ردیف به کار رفته‌اند شامل: همه (۶ مورد)، چرخ (۵ مورد)، دل (۳ مورد)، عیش (۳ مورد)، کفر (۳ مورد)، حُسن (۲ مورد)، شرع، تیغ، هنر، حرام و... هستند.

ردیف به صورت ضمیر شامل: ما (۱۷ مورد)، تو (۱۶ مورد)، او (۱۵ مورد)، من (۹ مورد)، خویش (۳ مورد)، وی (۱ مورد) میشوند. ردیفهای ترکیبی با ترکیب ضمیر و فعل غیر ربطی، ضمیر با حرف، ساخته شده اند و شامل: اوست (۹ مورد)، ماست (۴ مورد)، مرا (۴ مورد)، ترا (۴ مورد)، وی است (۲ مورد)، توایم (۲ مورد)، منم (۲ مورد)، تو کو (۲ مورد)، تو بود، ز ما، شماست، تو باد، دلست، چه کار، به تو، ز ما، منند) هر کدام یک مورد) میشوند. ردیف حرفی نیز، تنها شامل حرف «را» (۳۸ مورد) میشود. در این اثر ردیف بلند دیده نمیشود زیرا

ردیفهای بلند جان حماسه را میگیرند و برای نقل داستان فرصت زیادی نمیگذارند.»
(درآمدی بر هنر و اندیشه فردوسی، حمیدیان: ۴۴۳)

تعداد ابیات مردف	ردیف فعلی	ردیف اسمی	ردیف به صورت ضمیر	ردیف ترکیبی	ردیف حرفی
۶۸۹	۴۷۸	۷۳	۶۱	۳۹	۳۸

موسیقی درونی

در این گفتار، آرایه‌های بدیع لفظی و مباحث آوایی موسیقی‌آفرین دیگر مانند: الف اطلاق، ابدال، تغییر مصوتها، اماله، تشدید مخفف، تخفیف مشدد، تلفظ کهن کلمات، کاهش، افزایش، ادغام و قلب که موجب ایجاد موسیقی درونی میشوند، مورد بررسی قرار میگیرند.
تجنیس: شاعر از جناس، بیشتر در جایگاه قافیه استفاده کرده است و همین امر باعث افزایش موسیقی شعر شده است.

جناس تام: مهر - مهر (۴۲۷۷) / چنگ - چنگ: ۴۰۶ / مدار - مدار: ۱۳۶۴ / شیر - شیر: ۲۹۴۶ / چین - چین: ۳۳۶۸ / گشت - گشت: ۳۶۱۰ / جناس مطرف: احتشام - شام (۴۳۹۴) / نام - نان: ۵۸۴ / هند - سند: ۱۷۱۰ / می - کی: ۲۰۹۰ / بام - شام: ۴۳۹۴ / وصف - وصل: ۵۰۴۴ / نامه - نامی: ۵۲۹۵ / جناس زاید: وجود - جود (۶۰) / کاف - شکاف: ۳۰۳ / همای - همایون: ۴۲۵ / جوع - رجوع: ۵۸۷ / نما - رهنما: ۸۶۰ / قیامت - قیام: ۹۳۲ / امن - امان: ۹۸۷ / بالا - بلا: ۱۱۲۴ / کاروان - روان: ۱۲۷۲ / رهبرم - برم: ۱۸۶۵ / گل - گلاب: ۳۴۸۳ / سر - سرور: ۳۶۴۶ / جناس ناقص (محرف): گنم - گنم (۱۷۱۴) / شکر - شکر: ۴۴ / جناس خط: باج - تاج (۴۵۵۰) / یافت - تافت: ۱۲۲۱ / پیش - بیش: ۳۱۰۹ / جناس مرکب: دلبری / دل بری (بیت: ۳۸۵۹) / همدمی - هم دمی: ۲۴۷۲ / کارزار - کار زار: ۴۱۳۱ / نیمروز - نیمروز: ۴۴۵۴ / جناس لاحق: اجل - ازل (۹۵۱) / سامری - ساحری: ۳۶۳ / مشیر - منیر: ۴۳۱ / متاز - مناز: ۳۷۸۵ / جناس مکرر (مزدوج): بست دست (بیت: ۲۵۳۱) / جام جم: ۷۴۷ / آسمان آستان: ۲۴۹۵ / جناس اشتقاق: نظامی - نظم - نظم و نظام (۳۳۵) / افعال - منفعل: ۱۳ / درخشنده - رخشان: ۲۶۸۲ / مطاع - اطاعت: ۳۰۶۲ / جناس شبه اشتقاق: زمین و زمان (بیت: ۴۵۲۸) / کمین - کمان: ۴۱۰۶

تکرار واج: واج آرای

الف - هم حرفی

دو شوکت شکوه و دو محشر چشم دو گردن فراز و دو صاحب علم (۲۹۳۲)
هم حرفی صامت «ش» و «د» همراه با تکرار کلمه «دو» فضای عظمت و فخامت را به خوبی تداعی میکند.

یلان از غضب تیغ آمیختند ز افغان خونخوار خون ریختند (۳۵۹۰)
تکرار صامت «خ» در این بیت، بخوبی فضای خشن جنگ و نبرد را به خواننده منتقل میکند.
که دیباچه نامه نامدار به نام خداوند آموزگار (۴۳۴۹)
تکرار صامت «ن» علاوه بر ایجاد آهنگ آرامش بخش، فضایی امن را برای خواننده تداعی میکند.

فرو رفت و بر شد ز دست یلان به سینه سر نیزه سر بر سنان (۲۹۶۱)

ب-هم آوایی

هم آوایی در مصوتهای بلند و کشیده در یک اثر حماسی، صلابت و فخامت شعر را افزایش میدهد و در ایجاد لحن حماسی موثر است: فلک اقتدارا بلند اخترا خداوندگارا جهان سرورا (۳۷۳۸)

«تکرار موکد مصوت «آ» علو معنای اثر حماسی را به خواننده نشان میدهد و نوعی غرور و عظمت را به خواننده القا میکند و به دلیل بالا بودن ارتفاع صوت در این مصوت، باعث شده معنای مورد نظر به راحتی به دست آید.» (فرهنگ نام آوایی فارسی: وحیدیان کامیار: ۳۰)
به قلب صف دشمن کینه دار دلیران بتازند قزاق وار (۱۹۰۳)

ز اعلی و ادنی و برنا و پیر ز زهاد و شیخ و صغیر و کبیر (۲۰۱۴)

انیس جلیس صغیر و کبیر وزیر مشیر و دبیر منیر (۴۳۱)

تکرار هجا: که نه لشگرت ماند و نه کشورت نه اورنگ و نه خاتم و افسرت (۷۵۳)

دو زلفش، دو گردنکش سرفراز دو چشمش دو آهوی روباه باز (۲۱۴۰)

سر شب سر قتل و تاراج داشت سحرگه نه تن سر نه سر تاج داشت (۵۲۷۸)

ازو عزم و کشور گشادن ز ما ازو امر و اجرا نمودن زما (۲۳۹۸)

تکرار واژه: ز گیتی نشد هر که عبرت پذیر ز نگرفته عبرت تو عبرت پذیر (۱۶۴۷)

بدان را نباشد به جز بد سزا جفا پیشگان را به غیر از جفا (۲۷۴۳)

رد الصدر الی العجز: نوا مطرب از نغمه جانفزا رسانید هر بینوا را نوا (۱۷۴۱)

نوا در مصرع دوم، در ارتباط با بینوا، ایهام تناسب نیز دارد و به معنای رزق و روزی است.

رد العجز الی الصدر: -به دولت شود چون سکند تو را همه ملک عالم مسخر تو را

تو را گردد اقبال و دولت غلام بود گردش آسمانت به کام (۱۰۶۹-۱۰۷۰)

-کمد دلیران رستم جدل نمیداد جز ریسمان بر اجل

اجل گشت هم دست تیر و کمان نی نیزه از بار سر شد گران (۲۶۵۱-۲۶۵۲)

-به روز و شبی گشت ده روزه را دو منزل به آن نصرت آیین سپاه

سپاه بداندیش غافل از آن که نازل بلا میشود ناگهان (۳۴۵۴-۳۴۵۵)

طرد و عکس : چنان آتش فتنه شد مشتعل که شد بیخبر دل ز جان، جان ز دل (۵۱۶)

ز سم ستوران زرینه زین زمین چون فلک شد، فلک چون زمین (۱۲۸۸)
گهی این به آن، آن به این کرد زور بلا را ز خود هریکی کرد دور (۲۹۹۰)
تکرار جمله: به آیین جمشید جم دم به دم می‌ام ده، می‌ام ده، می‌ام ده، می‌ام ده،
می‌ام (۳۷۱۴)

۳-۱-۲- سطح لغوی یا سبک‌شناسی واژه‌ها

در این سطح، لغات بیگانه خصوصاً لغات عربی، لغات کهن فارسی و بطور کل نشانه‌های کهنگی زبان در سطح لغوی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان عربی

در شاهنامه نادری ۴۹۸ واژه و ترکیب عربی وجود دارد که دارای معانی ساده‌ای هستند. به برخی اشاره میشود: قضا (۲۶۴)، نثار (۳۷۴)، صبیح (۴۳۰)، معجر (۵۳۴)، غلا (۶۳۹)، جیش (۷۴۴)، سواد (۸۵۰)، فضل الهی - حد ارض (۱۰۴۵)، میدان (۱۱۴۵)، صرصر (۱۲۶۰)، قلب (۱۳۰۰) یمین و یسار (۱۳۰۰)، مقراض (۱۳۰۵)، قفا، سنان (۱۳۵۰)، عود (۱۳۶۹)، عمود (۱۶۱۶)، عدو (۱۶۶۸)، تحفه (۲۱۶۵)، لعل (۲۱۸۰)، عود (۲۱۸۵)، طعنه (۲۱۸۶)، مجمر (۲۱۸۹)، عنبر (۲۲۰۶) طوق (۲۴۲۱)، حصار (۲۸۲۰)، خیمه (۳۰۴۶)، ناصر (۳۹۹۲)، عالی - صف - یمین - یسار (۴۲۲۹)، مجلس (۴۲۲۶)، خیر (۴۳۹۰)، محصل (۵۲۵۸) و...

ترکیبات: بیت الشرف (۱۴۸)، خیر الانام (۱۶۲)، ضل الله (۱۶۷۵)، دار السرور (۱۷۳۴)، حسب المراد (۱۷۵۵)، کف الخضیب (۲۴۱۵)، طرفه العین (۵۲۸۲)، بحمدالله (۵۲۸۷) و...

کهن‌گرایی واژگانی

غریو (۷۴۵)، اسپهبد (۸۲۶)، دژم (۹۳۱)، ناوک (۹۹۷)، آخشیح (۱۱۳۰) میغ (۱۹۰۹)، سرحد (۱۹۳۲)، اکلیل (۲۳۰۹)، قطاس (۴۴۴۶)، خدیو (۲۳۴۳ و ۲۳۷۰ و ۳۰۱۴ و ۳۰۲۲۵ و ۴۳۳۷ و ۴۲۵۵ و ۴۲۵۶ و ...)، هژبر (۲۴۱۱)، قوس قزح (۲۴۱۸)، ایاغ (۲۴۶۷)، سفتن (۲۵۲۴)، سهم (۲۵۳۰)، کوپال (۲۶۷۱ و ۴۱۶۲)، ابرش (۲۶۸۱)، خوی (۲۹۶۳)، اورنگ (۳۰۴۳)، مربع‌نشین (۳۰۵۶)، اهریمن (۳۰۸۰)، فگار (۳۴۲۷)، مغفر (۳۴۳۷)، هنگ (۳۸۲۶)، خیو (۴۱۹۶)، ابیر (۴۲۰۵)، کریاس (۴۳۷۲)، کیمخت (۴۶۸۹)، خدنگ (۲۶۸۵)، مندیل (۴۶۷۸) دیهیم (۵۲۷۷) و...

لغات در معنای کهن

کشور در معنای شهر (۵۹۳)، توانا در معنای توان و قدرت (۷۰۲)، آهنگ: قصد و نیت (۲۴۱۱)، جادو: جادوگر (۲۷۰۱)، کتاب: نامه (۴۴۰۵)

کهن‌گرایی در افعال

آختن (۱۱۸۷)، خلیدن (۱۹۹۰)، زیباییدن (۳۷۰)، نیوشیدن (۴۳۴)، واگذاشتن (۷۲۴)، می‌باید (۸۱۰)، کلویدن (۴۵۴۱)، شیلان کشیدن (۹۸۳)، جگرباختن (۱۰۰۱)، دست‌یازی کردن (۱۰۴۹)، تمشیت دادن (۱۰۵۹)، ترکنازی کردن (۱۰۸۲)، آمد شد (۱۱۶۶)، همی‌جست (۱۲۴۱)، پویدن (۱۳۹۲)، وارهییدن (۱۵۰۵)، خستن (۳۹۸۴ و ۲۰۶۵ و)، پرداختن (۲۱۷۹)، پرداختن (۲۱۷۹)، بیختن (۲۱۹۶)، تفتیدن (۲۵۴۹)، یارستن (۵۲۹۲)، ستاندن (۴۵۴۱)، دوبالانمودن (۴۵۵۴)، بایستن (۵۳۰۸)، شایستن (۳۵۴۲ و ۵۱۵۱) یارستن: جرات کردن (۳۳۳۶ و ۱۷۱۸ و...)، یازیدن (۵۲۷۱) و...

ترکیب‌سازی

«یک حماسه‌پرداز باید از قدرت ترکیب‌سازی بالایی برخوردار باشد تا بتواند با آفرینش ترکیبات حماسی فخامت و جزالت متن خود را بیشتر کند.» (ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، شفیعی کدکنی: ۹۲)

نشاه‌یاب (۵۳۱۰)، صنم خانه (۱۰۹۴)، کودن‌پناه (۵۴۷)، مهمل اساس (۶۲۸)، وحشت‌آثر (۷۲۱)، هنگامه‌رو (۱۱۲۱)، قیامت‌نهاد (۱۴۶۶)، نصرت‌مآل (۱۷۵۹)، دانش‌پناه (۲۱۷۳)، ابله‌سیر (۲۳۰۵)، هنگامه‌سوز (۲۶۴۹)، سرعت‌پناه (۲۸۹۲)، کینه‌پوش (۲۹۵۲)، و... فردوسی ثانی در آغاز هر بخش برای نادرشاه و خود، ترکیباتی بدیع و زیبا می‌آورد: **ترکیبات ساخته‌شده برای نادرشاه:** جهانجو خدیو سلیمان نگین (۲۳۷۰)، خدیو جهانگیر اقلیم بخش (۴۳۳۷)، جهانجو خدیو فلک اقتدار (۴۲۲۵)، خدیو جهان بخش کشورستان (۳۱۴۸) خدیو فلک بارگاه (۲۸۳۹) خدیو سلیمان سریر (۲۳۶۰) جهانگیر سلطان اقلیم بخش (۴۴۲۹)، جهانجو خدیو سکندر نشان (۴۴۰۶)، شاهنشاه تاج و دیهیم بخش / خدیو جهانگیر اقلیم بخش (۴۳۳۷)، جهانگیر نصرت قرین (۴۲۰۳)، سلطان نصرت قرین (۴۰۷۲)، گیهان خدیو فلک بارگاه (۳۹۲۵) و... **ترکیبات ساخته‌شده برای خود:** رقم سنج تاریخ شاه جهان (۴۰۸۴)، صراف گوهر فروش (۴۹۵۹)، دبیر جواهر رقم (۴۷۹۴)، نگارنده سحرساز (۴۵۷۲)، رقم زن دبیر خرد بهره یار (۳۸۱۳)، رقم سنج شهنامه نادر (۳۴۷۲)، نگارنده نقاش مانی قلم (۲۴۷۳) و...

۳-۱-۳- سطح نحوی

در این سطح نکته حائز اهمیتی که منجر به ویژگی سبکی شود دیده نشد.

۳-۲- سطح ادبی

در این سطح، زبان ادبی اثر و خلاقیت‌های هنری آن از جمله ابزارهای بیانی، صنایع بدیع معنوی و مسائل مهم علم معانی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تشبیه

صورخیال در زبان حماسی، حسی و عینی هستند و از محیط رزم و نبرد گرفته شده‌اند. «تشبیه پربسامدترین عنصر خیال در شعر حماسی است و از میان انواع تشبیه، بالاترین بسامد متعلق به تشبیهات محسوس به محسوس است. یک شاعر حماسه‌سرا باید با امتزاج تصویر و صوت در خلق تشبیهی محرک و پویا، نقش مهمی را ایفا کند.» (صور خیال در شعر فارسی، شفیع کدکنی: ۹) فردوسی ثانی در اثرش بیشتر از تشبیهات محسوس به محسوس و تشبیهات مفرد استفاده کرده است. وی همچنین در اکثر موارد وجه‌شبه را حذف می‌کند تا اصل ایجاز را در اثر حماسی خود رعایت کرده باشد.

حسی به حسی: ۶۸ درصد، عقلی به حسی: ۱۸ درصد، عقلی به عقلی: ۱۰ درصد، حسی به عقلی: ۴ درصد

تشبیهات حسی بر حسی: سر به گوی (۱۲۰۰)، قد به علم (۱۱۹۷)، کمان به قوس قزح (۲۴۱۸)، پرچم به گیسو (۲۴۲۱)، کمند به زلف (۳۳۸۸) و...

تشبیهات عقلی به حسی: پرده شرم (۱۱)، صهبای غفلت (۱۲)، شمع یقین (۳۴)، خدنگ بلا (۴۳)، دَرّ معنی (۱۰۹)، صبح امید (۱۱۰)، خنگ وهم و خیال (۱۲۷)، توسن فکر (۱۳۰)، رخس سعادت (۱۶۹)، سمند عزیمت () سمند خیال (۳۸۱)، طوطی نطق (۴۱۹)، ابر عطا (۱۱۰۰)، گنجشک روح (۱۱۹۱)، طنبور عشرت (۱۲۱۳)، تیغ جفا (۱۲۳۶)، نهال عداوت (۱۳۰۹)

تشبیهات حسی به عقلی: تفنگ به اژدها (۹۳۸)، جادوگر به دیو (۲۷۰۱)

تشبیهات عقلی به عقلی: غول به هوی (۷)، انبساط به عنقا (۶۹۱)، رنج و الم به عنقا (۱۷۴۵)، اقبال به ظفر (۲۳۴۸)

تشبیه خیالی: دریای آتش (۱۴۶۷)، دریای خورشید (۲۰۰۳) دریای قیر (۳۴۳۲ و ۴۰۳۴)، تشبیهات تلمیحی: سخن، خضر پاینده عالم است مسیح دل مرده آدم است (۴۳۸)

به بالای تختش چو شاهان نشاند چو دیوش به جای سلیمان نشاند (۶۴۷) موارد دیگر: (۶۱۵، ۱۳۴۱، ۲۹۰۰ و...)

تشبیه حروفی

الفهاش بر راستی بود دال ولیکن کجی بود ظاهر ز دال

اگر بود نونش به نیکی قرین ولی بای او بود بد همنشین

اگر مهر بستی ز هایش میان ولی کافش از کینه دادی نشان (۳۷۴۹-۳۷۵۱)

تشبیهاتی که یک طرف آن حماسی و طرف دیگر بزمی است:

قطاس ستوران زرینه زین کشان همچو زلف بتان بر زمین (۱۱۳۷)

ز ناوک چنان سینه‌ها شد فگار که عشاق را دل مژگان یار (۳۴۲۷)

موارد دیگر: کمند به زلف (۹۰۸)، کمان به مژه (۹۰۹)، شقه‌های علم به عروسان (۹۱۵)،

پراکندگی سپاه به پریشانی زلف (۲۶۹۲)، شمشیر درون نیام به ابروی وسمه کشیده (۳۰۵۳)،

صف لشگریان به مژه (۴۰۸۴)، ابرو به کمان (۲۱۳۷)، دو زلف به دو گردنکش (۲۱۴۰) و...

استعاره

درباره استعاره در زبان حماسی دو دیدگاه وجود دارد: عده‌ای معتقدند استعاره در سطح ادبی

حماسی هیچ جایگاهی ندارد و عده‌ای دیگر بر این باور هستند که استعاره مصرح‌های که

مشبه محذوف آن پهلوانان هستند، زیاد است. (انواع ادبی، شمیسا: ۹۶)

استعاره مصرحه

زاغ: استعاره از گوشه کمان: ز بس بر کمان تیر شد کارگر برآورد زاغش چو شهباز

پر (۲۹۸۵)

عنبر: استعاره از مو، / فندق: استعاره از انگشت (۳۸۲۴)، اشتهب و مشک: استعاره از

شب، / ادهم و عنبر: استعاره از روز (۲۱۱۶)، هندو: استعاره از زلف سیاه (۲۱۳۹)، لعل:

لب، / دُر: سخنان پرمعنا (۲۷۵۵)، یاقوت: لب / گوهر: سخنان پرمعنا (۲۸۵۱)، سرهنگ

مشرق زمین: خورشید (۲۹۲۷)، شفق: خون (۲۹۶۲)، شیران: مردان جنگی (۲۷۶۵)، شام:

بدبختی / روز: خوشبختی (۳۱۶۷)، آفتاب: نادرشاه (۳۳۷۳)، خار: ظالمان (۲۷۸۸)، بت:

زیبارو (۳۳۸۸)، شمع مشرق: خورشید (۴۲۰۰) کالا: شعر (۵۲۹۲) گهر: سخن (۱۹۴۱)

استعاره مکنیه

استفاده از استعاره مکنیه در شاهنامه نادر باعث افزایش مبالغه و اغراق (که ذات حماسه

است) میشود.

استعاره مکنیه اضافی: رخسار ماه (۲۸۰۲)، چشم ستاره (۳۳۸۱)، پرده گوش گردون (

۴۱۰۲) و...

استعاره مکنیه غیر اضافی

ولیکن چو بخت و ظفر یار ماست خداوند بی چون مددگار ماست (۲۸۵۵)

دلزار شد گنبد کینه پوش زره را زد از دیده خوناب جوش (۲۹۵۲)

وگر نه کشیمش به شمشیر کین بدان سان که گوید قضا آفرین (۳۲۸۹)

به سیر جوانان گردن فراز زره دیده شوق نموده باز (۴۲۱۶)

کنایه

«زبان حماسی از کنایه و انواع آن به شیوه‌های گوناگون استفاده میکند، به ویژه در ضمن رجزخوانیها، مفاخرات و دل‌آوریها که کنایات با رنگ و بوی حماسی هویدا میشود و در القای روح حماسه به خواننده در کنار سایر آرایه‌ها نقش مهمی را ایفا میکند. (الگوی بررسی زبان حماسی، شهبازی و ملک ثابت: ۱۷۰)

کنایه از موصوف: نوخطان (۱۳۱۹)، سپنجی‌سرا (۱۳۶۴)، جگر گوشه خوشه بنت العنب (۲۳۶۶)،

کنایه از صفت: ثابت‌قدم (۱۱۷۲)، شیردل (۲۲۴۵)، خشک و تردماغ (۲۳۳۵)، بادپا (۱۷۹۳)

کنایه فعلی: روسیاه بودن (۱۶)، از دیر به بیت الله آمدن (۳۵)، مسجد جمعه تبدیل به بیت الحرام شدن (۶۷۵)، خسک در ره آشتی ریختن (۱۴۴۶)، انگشت افسوس به دندان خاییدن (۱۵۱۷)، جبین بر آستان نهادن (۱۶۵۵)، کمر بستن (۴۴۵۹ و ۱۷۵۹ و...)، گرد برآوردن از چیزی (۱۷۷۲)، مرغ جان از قفس پریدن (۱۸۰۵)، پنبه از گوش درآوردن (۱۸۵۹)، عنان کشیدن (۱۹۴۵)، دست از جان برداشتن (، دست گشادن (۲۰۰۷)، با هم به دست و بغل رفتن (۲۰۵۸)، زنجیر بر پای دل بودن (۲۱۴۱)، آهنگ چیزی را داشتن (۲۲۲۶)، با انگشت پا گوش خاریدن (۲۳۰۰)، جایی را حانه جغد کردن (۲۳۸۵)، غلاف ندیدن بر شمشیر (۲۵۱۰)، آمدن خورشید به نصف النهار (۲۵۴۸)، عنان پیچیدن، تافتن (۳۳۴۰)، مشت بر کوه زدن (۳۴۰۷)، آهن سرد کوفتن (۳۷۵۴)، گاو‌تازی کردن (۳۷۸۴)، با شیر روباه بازی کردن (۳۷۸۴)، آینه بر سنگ زدن (۳۷۹۲)، جامه مرگ در بر نهادن (۴۰۵۴) رخت بردند (۴۵۳۳)، و...

کنایات خودساخته و ابداعی

گر از شهد فیضش رساند برات شود همچو نی بار حنظل نبات (۴۳۵۹)

پس از تاج بخشی فزون مایه‌ام هما آشیان بست در سایه‌ام (۴۴۰۱)

به فردا منه کار امروزه را به شوال مفکن مه روزه را (۵۱۰۴)

در این اثر بسامد کنایات فعلی: ۶۹ درصد، کنایه از صفت: ۱۸ درصد و کنایه از موصوف: ۱۳ درصد است. بسامد کنایات فعلی در مقام مقایسه با دیگر کنایات بیشتر است و علت این امر لزوم وجود ایجاز و اغراق در اثر حماسی و کمک به توصیف صحنه‌های جنگی و افزایش اغراق است.

مجاز

در این اثر، بسامد مجاز نسبت به دیگر صور خیال کمتر است، زیرا در آثار حماسی مجاز

جایگاهی ندارد. «مجاز مرسل از آنجاکه به ورای زبان حماسی و ویژگیهای ارتباطی این زبان گذر نمیکند، نقش چندان مهمی در حماسی یا غنایی کردن کلام ندارد.» (گفتارهایی در زبان‌شناسی، صفوی: ۵۰)

مجاز به علاقه جزء و کل

نپوید اگر شیر در مرغزار کجا گردش رنگ و آهو شکار (۷۸۸)
بدانسان که از لب فشاندی گهر نییچم هرگز ز حم تو سر (۱۶۸۷)
ز ماه علم‌های گردون جناب چو شد کوه سرخاب خورشید تاب (۱۸۹۰)
شکرخنده خوبان آتش عذار گرفته به کف مجمر زرنگار (۲۱۸۹)

مجاز به علاقه حال و محل

ز غفلت نگردید فرمانبرش ز نخوت نگنجید این در سرش (۱۲۲۹)
مروت گریزان شد از سینه‌ها برآمد به جای وفا کینه‌ها (۱۳۰۸)
به عیوق برشد چکاچاک تیغ جدا گشت سرها ز تن بی‌دریغ (۱۳۲۱)
روارو درآمد به خیل سپاه درآمد تزلزل به ماهی و ماه (۱۴۲۱)
نی نیزه‌ها سر به گردون کشید به کیوان روارو ز هامون رسید (۱۴۲۲)
چنانم کن از ساغری نشاه یاب که بنیاد غم را رسانم به آب (۱۸۶۱)

علاقه عام و خاص:

طلب کرد رخس سعادت قرین فلک پایه خنگ مبارک جبین (۱۴۰۲)

مجاز به علاقه جنس

چنان گرم شد عرصه‌گاه نبرد که تفتیده گردید فولاد سرد (۱۱۶۴)
یکی را ز خنجر شده سینه چاک چو بسمل تپان گشته بر روی خاک (۱۲۰۲)

مجاز به علاقه آلیت

به هر لحظه گیرد کلاه از سری گذارد به فرق سر دیگری (۱۶۴۵)
ستمگر عدو را در آن رستخیز نه پای فرار و نه دست گریز (۲۰۸۶)

مجاز عقلی

یلان از دو سو گرم خون ریختن چو ایام در فتنه انگیختن (۱۳۰۶)
شود همعنان با که فتح و ظفر کرا بخت و طالع شود همسفر (۲۹۱۶)

نمودهای آرایه‌های ادبی در حوزه بدیع معنوی

اغراق

هرچند این صنعت بدیع معنوی، جزو ذات آثار حماسی به شمار می‌آید اما بررسی نمونه‌های

آن خالی از لطف نیست:

مبالغه: شود هم‌نبردم گر افراسیاب ز شوکت نمی‌آرمش در حساب (۲۸۶۱)
اغراق: که می‌رفت هریک به روز جدل ز مردی به صد مرد دست و بغل (۲۸۸۱)
غلو: سر نیزه بر اوج گردون رسید خوی بادپایان به جیحون رسید (۲۹۶۳)
ایهام:

کلامش که **قانون حکمت** بود به از **کیمیای سعادت** بود (۴۷۹)
گهی در ز مهر و وفا می‌گشود گهی **فصلی** از **باب کین** می‌نمود (۳۷۴۸)
الفهاش بر راستی بود **دال** ولیکن کجی بود ظاهر ز **دال** (۳۷۴۹-۳۷۵۱)

تلمیح

تلمیحات اساطیری و پهلوانی: فردوسی ثانی با استفاده از نام‌های شخصیت‌های شاهنامه فردوسی، سعی دارد شخصیت‌های داستان خود به آنها تشبیه کند: ز **هامان** و **رهام** و **اسفندیار** ز **زال** و **سیاوخش** دشمن شکار (۱۰۰۴)

رستم، تهمتن، پور زال (۴۲ مورد)، افراسیاب (۱۸ مورد)، اسفندیار (۱۳ مورد)، فریدون (۶ مورد)، سام (۵ مورد)، ضحاک (۴ مورد)، فردوسی و کیقباد (۳ مورد)، زال زر، سیاوش (۲ مورد) بهمن، بیژن، رهام، سهراب، شغاد، کاموس، گودرز، گیو، هامان (هر کدام یک مورد) فردوسی ثانی، ترکیباتی زیبا و جالبی با رستم ساخته است: رستم فکن (۳۴۱۲)، رستم‌نژاد (۱۴۹۹)، رستم خصال (۲۵۷۷)، رستم مضاف (۳۰۸۵ و ۱۱۴۶)، رستم جدل (۲۶۵۱).

تلمیحات دینی: شاعر با ذکر شخصیت‌های دینی و مذهبی سعی دارد فضاسازی مناسبی برای انتقال مسائل تاریخی و مذهبی فراهم کند: **سلیمان** اساسانه شیلان کشید ز نعمت بهر گوشه صد خوان کشید (۹۸۳)

سلیمان (۳۴ مورد)، عیسی مسیح (۱۹ مورد)، خضر (۱۴ مورد)، محمد (ص) (۷ مورد)، ابراهیم، خلیل (۶ مورد)، علی بن موسی الرضا (۵ مورد)، آدم، ابوالبشر و موسی (۴ مورد)، داوود نبی (۳ مورد)، جبرئیل (۳ مورد)، امام علی (ع)، یعقوب و یوسف (۲ مورد)، الیاس، ایوب، مریم، نوح (یک مورد)

تمسک به آیات و احادیث: علم‌ها همه یافته زین و زینب ز **نصر من الله و فتح** قریب (۲۴۲۰)

تنسیق صفات: این صنعت علاوه بر ایجاد اغراق در توصیف، به دلیل تکرار منظم مصوت «او» و «ای» دارای ویژگی هم‌صدایی نیز است.

سپاه ظفر صید لشکر شکن تهمتن نژادان رستم فکن (۳۴۱۲)

سپهبد جهانگیر دشمن شکار عدوبند شیرافکن نامدار (۱۴۷۹)
سمن بر دلاری گل پیرهن شکرلب گل اندام غنچه دهن (۲۱۵۸)
حجازی هیونان زرینه رنگ گرانبار از الوان چین و فرنگ (۲۱۶۲)
مبارک جبین توسن بادپا هما سایه آهوی دلدل لقا (۳۳۶۷)
تصویر آفرینی: گاه در اشعار فردوسی ثانی به تصاویر زیبایی برمیخوریم، در این موارد تصویر وسیله‌ای برای القای صحنه‌ها و حالت‌های جنگی هستند.
ز دود شرار تفک شد دو رنگ رخ روز مانند نطع پلنگ (۱۱۵۲)
شد از سهم پرواز باز خدنگ به گنجشک روح عدو عرصه تنگ (۱۱۹۱)
به توسن چنان با تحمل نشست که شیر الهی به دلدل نشست (۱۲۷۹) موارد دیگر: ۱۹۹۹، ۲۰۴۷، ۲۶۵۶، ۲۶۷۴، ۲۷۶۰-۲۷۶۱، ۳۳۸۵، ۴۱۱۱

ایجاز

در سراسر شاهنامه نادر، صنعت ایجاز به وضوح دیده میشود، فردوسی ثانی تاریخ عصر نادرشاه را به صورت جامع و کامل بیان میکند، اما با وجود حساسیت وقایع تاریخی، از ذکر جزئیات داستانها و اطناب خودداری میکند که همین امر از ملال آور بودن آن جلوگیری کرده است. «شاهنامه نادر یک اثر ادبی با رویکردی تاریخ‌محور است، زیرا ناظم آن بر روایت و ذکر دقیق جزئیات تکیه ندارد. عاطفه محور و مبتنی بر ذوق و شوق و حس زیباشناسانه است. شاعر در بیان رویدادهای تاریخی علاوه بر ذکر واقعیات، دست به آفرینش توصیفات و سرودن ساقی‌نامه زده است و سراسر شاهنامه نادر را با ترکیب اطلاعات ارزشمند تاریخی و تشبیهات و تعبیر شاعرانه خود و همچنین پند و اندرز دادن به مخاطبان پرداخته و آن را از متون روایی تاریخی محض متمایز کرده است.» (تحلیل مولفه‌های تاریخی-ادبی منظومه حماسی شاهنامه نادر، رضایی شعبان: ۵۷)

هرچند شاعر به سرودن حماسه‌ای تاریخی درباره سلطنت نادرشاه مامور بوده است، اما تمام سعی خود را برای کاهش ملالت اثر تاریخی انجام میدهد و بیشتر به توصیف صحنه‌های جنگ پرداخته و از سرودن اثری با محتوای تاریخی محض خودداری کرده است. به عنوان مثال از ذکر نام افراد و حتی از ذکر زمان دقیق رویدادها تا حد زیادی خودداری میکند تا از حماسی بودن آن کاسته نشود. البته امر باعث نوعی ابهام در داستان شده است.

محمدعلی طوسی سعی نموده با وجود این که خود شاهد تمام وقایع دوره نادرشاهی بوده است، اشعار خود را به گونه‌ای بیان کند که گویا شاهد مستقیم وقایع نبوده است و بدین گونه سعی در نزدیک نمودن اثر خود به شیوه شاهنامه فردوسی داشته است. «به همین منظور در زبان حماسی، شاعر هرگز از «من» شخصی خود سخن نمیگوید و به نام و کام

خود در حق پهلوانان و قهرمانان حرف نمی‌زنند. (انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، رزمجو: ۱۱)

از روشهای دیگری که شاعر برای ایجاد ایجاز در اثرش بهره برده است میتوان انواع حذفها را (که در بخشهای پیشین بدان اشاره شد) ذکر کرد.

۳-۳- سطح فکری

در این سطح، فکر و اندیشه و نگرش خاص مولف متن بررسی میشود. از آنجائیکه این اثر از نوع حماسی- تاریخی است ابتدا باید به بن‌مایه‌های حماسی اثر اشاره کرد. بن‌مایه‌های حماسی عمده‌تاً شامل موارد زیر است: خوارق عادت، پهلوانی، نام و ننگ، جهان‌بینی و رازگشایی، کین‌خواهی و انتقام، جنگ، پند و حکمت و بوش.

اولین مسئله‌ای که توجه مخاطب را در این اثر جلب میکند، شتاب فردوسی ثانی در توصیف میدان جنگ و درگیری قهرمانان با یکدیگر است که سبب میشود صحنه‌های جنگ حالت گزارش‌گونه به خود گیرد و تاثیر چندانی در روح و جان مخاطب نداشته باشد. به علاوه بسیاری از مشخصات حماسی مانند جنگ‌تن به تن قهرمان با ضدقهرمن، رجزخوانی، به سخره گرفتن حریف، آزمودن انواع سلاحهای جنگی و.. در این اثر کمیاب است. همین عمل و فقدان ابیات حکمت‌آمیز و وعظ (صرف نظر از ساقی‌نامه‌ها) خصوصاً پس از مرگ پهلوانان، عدم وجود دیو و جادو و پیشگویی و.. باعث شده است شاهنامه نادر، عظمت و فخامت یک اثر حماسی را نداشته باشد و بیشتر به اثر تاریخی نزدیک شود. تنها اثر پررنگ حماسی در این اثر، کاربرد ابزار حماسی گوناگون است.

موضوعات و مضامین: در بررسی منظومه شاهنامه نادر، میتوان به موضوعات و مضامین زیر دست یافت:

حوادث تاریخی (حماسه تاریخی)

شاهنامه نادر شرح وقایع برهم خوردن ایران و فروپاشی حکومت صفوی و ظهور نادرشاه افشار و جنگهای نادر است، ماجراهایی نظیر تصرف خراسان، هرات، اصفهان، بغداد، قندهار، کابل، لشکرکشی به هند و نیز عزیمت وی به قصد تصرف روم و در نهایت کشته شدن نادر در این شاهنامه ذکر شده است.

اما فردوسی ثانی، در بیان حوادث تاریخی، اصل ایجاز را رعایت کرده و از ذکر جزئیات وقایع چشم‌پوشی کرده است. وی حتی از ذکر نام افراد تاریخی خودداری میکند و بیش از آنکه به ذکر جزئیات وقایع تاریخی بپردازد به صحنه‌سازیهایی نبرد و توصیفات جنگی پرداخته است تا اثرش را به یک اثر تاریخی- ادبی مبدل کند. تصرف اصفهان به دست افغانها، فرار طهماسب میرزا از دست افغانها، نبرد نادرشاه و محمود افغان، آزادسازی مشهد، فتح هرات، نبرد نادرشاه با اشرف افغان، تاجگذاری طهماسب میرزا و عزل او، نبرد نادر با عثمانی،

تاجگذاری نادرشاه، حمله نادرشاه به هند و... از جمله وقایع تاریخی مهم در این اثر هستند. وی در اثر خود به صحت وقایع تاریخی پایبند است و از هرگونه تحریف وقایع دوری میکند و تنها در یک مورد، در ماجرای انتقال طهماسب میرزا به خراسان، اشتباه کرده است، چراکه مینویسد وی را به مازندران انتقال دادند. البته از ذکر برخی وقایع مهم تاریخی زمان نادر نیز کاملاً خودداری کرده است، مانند: عاقبت محمود افغان

ساقی نامه (عشق و عرفان)

فردوسی ثانی به تقلید از اسکندرنامه نظامی، در پایان هر واقعه تاریخی، درباره افکار و عقاید خود که بیشتر در ذم زهد ریایی و نصیحت مخاطبان است، چند بیت به عنوان ساقی نامه سروده است؛ با این تفاوت که نظامی، ساقی نامه‌ها را در آغاز داستانها آورده، ولی فردوسی ثانی، ساقی نامه‌هایش را در پایان داستانها سروده است.

در این اثر مجموعاً ۴۶ ساقی نامه وجود دارد که فردوسی ثانی سعی میکند در این بخشها با ذکر تشبیهات، استعاراتی که جنبه حماسی دارند، روح حماسه و فخامت اثر را حفظ کند. ذکر ساقی نامه در یک اثر حماسی مانند شاهنامه نادر، مجالی برای شاعر است که در آن، نظرات شخصی و عقاید خود را بازگو کند، مطالبی که نمی‌تواند آنها را در خلال یک اثر حماسی (آنهم از نوع تاریخی) بگنجانند. به عبارت دیگر، در این بخش سخن شاعر از حالت حماسی، به حالت غنایی تغییر میکند تا بتواند از مسائل موجود در جامعه و زمان خود انتقاد کند.

فردوسی ثانی تنها در ساقی نامه‌ها از ضمیر اول شخص برای روایت داستان استفاده کرده است و در بخشهای حماسی اثرش، از ضمیر سوم شخص برای روایت استفاده میکند. به علاوه اصطلاحات عرفانی و عاشقانه اثرش را عمدتاً در بخش ساقی نامه آورده است. مضامین موجود در ساقی نامه‌ها، عمدتاً شامل غنیمت شمردن عمر، اغتنام وقت، کسب لذت، باده نوشی، بیزاری از زهد و.. میشوند.

مدح و ستایش

محمد علی طوسی، در آغاز شاهنامه خود، پس از حمد و ستایش خداوند، (ابیات ۱-۵۱) « بنا بر رسم همیشگی تاریخ‌نویسی‌های فارسی به ستایش پیامبر (ص) میپردازد او را به سبب بی سایه بودن میستاید» (مقدمه شاهنامه نادر، سهیلی خوانساری: ۵). و به وصف معراج ایشان میپردازد. (ابیات ۵۱- ۲۵۵) وی همچنین ارادت خود به امام علی (ع) را نیز

اظہار کرده است،^۱ و به مدح این دو بزرگوار افتخار میکند،^۲ به علاوه از خوانندگان اثرش می‌خواهد حسینی صفت باشند^۳ که همین امر، احتمال شیعه بودن وی را نشان می‌دهد. وی همچنین ارادت خود به امام رضا(ع) را نیز نشان داده و شهر مشهد را مایه افتخار جهان معرفی می‌کند.^۴

وی در آغاز اثرش علاوه بر مدح پیامبر اکرم(ص) و امامان، بزرگان ادب فارسی را نیز ستایش کرده است، از فردوسی به بزرگی و احترام یاد میکند، اما اثر خود را به دلایل زیر برتر از شاهنامه فردوسی تصور میکند، یکی موضوع مادی‌گرایی فردوسی است، وی خود را انسانی قانع معرفی می‌کند، درحالی‌که فردوسی از محمود طلب صلہ کرده بود. دومین دلیل وی، شاهد وقایع بودن، در مقابل راوی صرف بودن وقایع توسط فردوسی است. (ابیات: ۳۲۷-۳۳۰) وی همچنین به نظامی گنجوی نیز ارادت ویژه‌ای دارد (ابیات: ۳۳۵-۳۵۵) و در سرودن اثرش به اسکندنامه وی توجه خاصی داشته است. وی مانند نظامی، در هر داستان چند بیت ساقی‌نامه سروده است با این تفاوت که نظامی، ساقی‌نامه‌ها را در غاز داستانها آورده، ولی فردوسی ثانی، ساقی‌نامه‌هایش را در پایان داستانها سروده است. امیرخسرو دهلوی را «سلطان نظم» نامیده و هنر سخنوری وی را ستوده است. (ابیات: ۳۴۵-۳۵۰) جامی، قاسمی گنابادی، عبدالله هاتفی را نیز ستایش می‌کند (ابیات: ۳۷۰-۳۵۵) اما در پایان، سخن و اشعار خود را از همه این شاعران برتر میدانند. فردوسی ثانی تنها در چند بیت نادرشاه را مدح می‌کند.

اصطلاحات علمی و تعابیر

لغات و اصطلاحات حماسی و جنگ‌افزارها

خنجرگذار (۲۸۲۲ و ۴۴۶۲ و ۱۳۶۱)، لشگرآرای (۱۸۹۳) صف‌آرای (۲۴۳۰)، آشوب‌خیز (۲۹۷۳)، آماجگاه (۳۵۷۹)، همورد (۳۶۶۰)، رزم‌آوری- جولانگری (۴۱۰۰)، عرصه‌گاه (۴۱۴۳)، رزم‌آزمای (۴۱۸۳)، نبردآوران (۴۴۴۱)، کمینگاه (۴۴۸۲)، کارزار (۴۱۳۱)،

^۱- به طوف در قیله‌گاه امم امیر عرب، شهریار عجم

ملک پاسبان شاه عرش آستان جهان کرم قیله راستان

درخشنده خورشید اوج شرف مه عالم‌افروز برج نجف

وصی به حق نبی، بوالحسن در بحر ایجاد فخر زمن

علی ولی زبده ممکنات حبیب خدا سرور کاینات (همان: ۵۰۵-۵۰۱)

^۲- زان‌شای این نامه دلنشین مرا مطلب ار نفع باشد پس این

که هر در به عنوان وی سفته‌ام به مدح نبی و علی گفته‌ام (همان: ۵۲۹۸-۵۳۰۰)

^۳- حسینی صفت راستی پیشه ساز بزرگی کن و کوچکی را نواز (همان: ۲۵۵)

حسینی صفت راستی پیشه ساز رسان از عراقم به ملک حجاز (همان: ۵۰۰)

^۴- چه مشهد که از خاک پاکش زمین کند فخر دایم به عرش برین (همان: ۴۵۷۶)

نبرد آزما (۴۲۰۳)، پرخاشجویی (۴۳۹۳)، رویین تنی (۴۴۶۴)، رزم آزمایی (۴۴۶۶)، لشگر آرا (۴۴۶۸)، پرخاشجو (۴۴۶۵) و...
شاعر تنها در چند بیت به ابزار جنگی زمان خود، یعنی تفنگ اشاره کرده است و بیشتر از ابزار و اصطلاحات جنگی قدیم که در شاهنامه فردوسی وجود دارد، استفاده کرده است. نظیر:
تیغ (۷۴مورد)، رایت (۵۵مورد)، شمشیر (۴۵مورد)، علم (۴۳مورد)، سنان (۳۷مورد)، کمند (۳۵مورد)، کوس (۳۲مورد)، کمان، زره، تفک (۳۱مورد)، نیزه، تیر (۲۹مورد)، خدنگ (۲۸مورد)، سپر (۲۵مورد)، کلاه خود (۲۰مورد)، خنجر (۱۹مورد)، کلاه، لوا (۱۷مورد)، تبرزین (۱۵مورد)، ناوک، گرز (۱۴مورد)، نیام (۱۳)، پرچم، توپ (۱۲مورد)، ترکش (۱۱مورد)، پیکان (۱۰مورد)، خمپاره (۸مورد)، خفتان، عمود، درفش قزاگند، زه (۷مورد)، نای رویین، مهچه (۶)، کیش، برگستوان (۵مورد)، غلاف (۴مورد)، قربان، ریسمان، ناچخ، قاروره (۳مورد)، جوشن، چهارآینه، منجنیق تفنگ، کجیم (هر کدام و مورد)، بادلیج، باروت، بیرق، تیرک، خود، درع، رمح، زنجیر، سوفار، شش پر، صدف، طناب، مغفر (هر کدام یک مورد).

اصطلاحات عرفانی و غنایی

ذکر مسائل عرفانی و غنایی مانند آوردن ساقی نامه در اثر حماسی، باعث کاهش صلابت و فخامت اثر حماسی میشود. بیشتر اصطلاحات عرفانی غنایی در بخش ساقی نامه آمده است. نظیر: ساقی (۴۶مورد)، جام (۲۵مورد)، مغنی (۲۴مورد)، می، مطرب (۲۳مورد)، باده (۱۷مورد)، مست، طرب (۱۵مورد)، عیش (۱۳مورد)، زاهد (۱۲)، شراب (۱۱مورد)، زلف، عشرت (۱۰مورد)، ساغر، بت (۹مورد)، میخانه، شاهد (۷مورد)، لب، خم، صراحی، بزم (۴مورد)، مرید، خمار، میخوار، مل (۳)، حال، لعل، مدام، معراج، خانقاه، بقا، می فروش، رند (هر کدام ۲مورد)، آب حیات، امام، بدمستی، پیر، خراباتی، درد، دیوانه، صنم، صنم خانه، طرب خانه، غمزه، فنا، قضا، می آشام، میگسار (هر کدام یک مورد)،

اصطلاحات و آلات موسیقی: نواخیز کن بربط و عود را حجازی کن آهنگ

داوود را (۳۲۱۱)

اصطلاحات موسیقی در شاهنامه نادری، بیشتر در بخش ساقی نامه ها آمده است و بیشتر شامل نام ادوات موسیقی است. نظیر: نغمه (۲۰مورد)، دهل (۱۵مورد)، نوا (۱۳مورد)، جرس (۱۱مورد)، عود (۹مورد)، آهنگ (۸مورد)، نای، دف (۷مورد)، کره نای (۶مورد)، طبل، چنگ (۵مورد)، حجاز، درا، شهناز، کرنا (۴مورد)، عراق (۳مورد) بربط (۲مورد)، شور، قانون، مضراب، سرود، سنج، رباب، تبیره، راک، رود، زخمه، زنگ، زنگوله، سورنا، طنبور، کمانچه، مطرب، نال، نی (هر کدام یک مورد)

اصطلاحات نجومی

جهان چون درآورد توسن به زیر چو خورشید بنشست بر پشت شیر (۱۷۶۳)
ز بیت الشرف پای چون آفتاب بنه بر سر چرخ زرین قباب (۱۴۸)
عیان مهچۀ رایت دلپند چو کف الخضیب از سپهر بلند (۲۴۱۵)

لغات و اصطلاحات عامیانه

ز باغ جمالش دلی وا کند لب لعل او را شکرخا کند (۲۲۴۱)
به وی گردد آن‌گونه تیغ از ما که دستت مریزاد گوید قضا (۲۴۵۵)
بدبینی نسبت به اهل عراق: شاعر، به مردم عراق بسیار بدبین است و در اشعارش، خصوصاً ساقی‌نامه‌ها به مخالفت با آنان پرداخته است: که در زیر گردون نیلی رواق ملولم ز اطوار اهل عراق (همان: ۵۳) (موارد دیگر: ابیات: ۱۰۷ و ۳۳۲۲ و ۳۷۱۶ و ..)
مخالفت با زهد و زاهدان: به من ده که رند و خراباتی‌ام گریزان ز زهاد طاماتیم (همان: ۱۲۱۲) (موارد دیگر: ۲۳۶۹ و ۴۳۳۴ و ۵۳۱۲)

نتیجه‌گیری

فردوسی ثانی از شاعران دوره بازگشت ادبی است و شاهنامه خود را به سبک خراسانی سروده است. در شاهنامه نادری، ردیف فعلی بسامد بیشتری نسبت به ردیف اسمی دارد. ردیفهای فعلی نیز بسیار کوتاه و ساده هستند و باعث حرکت و پویایی شده‌اند. از ویژگیهای شاخص زبانی شاهنامه نادری، لغات کهن و حماسی، واژگان عربی سهل، کثرت قافیه‌های اسمی، استعمال صورت کهن افعال، تقدیم فعل بر سایر اجزای جمله و... است. وجود ترکیبات وصفی، را فک اضافه، تبعیت صفت از موصوف، جابه‌جایی ضمیر، کاربرد واو در معانی مختلف، و... تمایز خاصی به این اثر بخشیده است. شاعر از فرایندهای حذف، اضافه، اماله، تسکین برای ایجاد موسیقی و در مواردی نیز بنا به ضرورت قافیه استفاده کرده است. وی در موارد بسیاری بنابه ضرورت حفظ وزن، مصوتها را تغییر میدهد. وی از جناس (خصوصاً جناس مطرف) بیشتر در جایگاه قافیه استفاده میکند. شاعر بیشتر در ساقی‌نامه‌ها از انواع الف، خصوصاً از الف ندا استفاده کرده است. فعل بر سایر اجزای جمله مقدم است و هنگامی که موخر میشود در جایگاه ردیف قرار دارد.

در سطح ادبی نیز کثرت تشبیهات مفرد و حسی، کنایات فعلی، اغراقهای آمیخته با غلو و... دیده میشود. از نکات مهم این اثر، بسامد بالای استعاره مکنیه نسبت به استعاره مصرحه است. او استعاره‌های فشرده و پی‌درپی را جایگزین تشبیهات گسترده کرده است و استعاره‌های اسمی بر تصاویر استعاری ترجیح داده شده است. وی نتیجه هر رویداد تاریخی

را به صورت خلاصه بیان کرده و شاهنامه خود را از ویژگی ملالت بار سخنان تاریخی رهایی بخشیده و با هنر ادبی خود، آن را برای مخاطبان دلنشین کرده است. شاهنامه نادری با نعت و ستایش خداوند شروع می شود و سپس به شیوه اکثر شاعران به مدح رسول اکرم(ص) و توصیف معراج ایشان پرداخته میشود. همچنین موضوعات تاریخی مهمی در شاهنامه نادری بیان شده است. تمایل شاعر در کاربرد الفاظ و ترکیبات و ساختار صرفی و نحوی و نیز صور خیال، به سوی سبک خراسانی بیشتر است.

منابع

- آشنایی با عروض و قافیه (۱۳۸۹) شمیسا، سیروس، چاپ سوم، تهران: میترا
- ادوار شعر فارسی (۱۳۸۷) شفیعی کدکنی، محمدرضا، چاپ پنجم، تهران: سخن
- الگوی بررسی زبان حماسی (۱۳۹۱) شهبازی اصغر و مهدی ملک ثابت، پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی، شماره ۲۴، صص ۱۴۳-۱۷۹
- انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، (۱۳۷۰) رزمجو، حسین؛ مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی
- تاریخ عالم آرای نادری (۱۳۶۴). مروی، محمد کاظم. به تصحیح محمد امین ریاحی. تهران: انتشارات زوار. جلد ۲.
- تحلیل مولفه های تاریخی-ادبی منظومه حماسی شاهنامه نادری، (۱۳۹۴) رضایی شعبان، کمال، فصلنامه مطالعات شبه قاره سیستان و بلوچستان، شماره ۲۳، سال هفتم، صص ۴۳-۵۸
- حماسه سرایی در ایران، (۱۳۸۷). صفا، ذبیح الله تهران: فردوسی.
- درآمدی بر هنر و اندیشه فردوسی (۱۳۷۲) حمیدیان، سعید، تهران: مرکز
- دستور تاریخی زبان فارسی، (۱۳۸۸) ناتل خانلری، پرویز، به کوشش عفت مستشارنیا، تهران: توس
- سبک خراسانی در شعر فارسی (۱۳۴۵) محبوب، محمد جعفر، تهران: فردوس
- شاهنامه نادری، (۱۳۳۹). محمد علی طوسی، مشهور به فردوسی ثانی، به تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران: انجمن آثار ملی.
- صورخیال در شعر فارسی (۱۳۶۶) شفیعی کدکنی، محمد رضا، تهران: آگاه
- کلیات سبک شناسی، (۱۳۷۵) شمیسا، سیروس، چاپ اول، تهران: انتشارات فردوس
- گفتارهایی در زبان شناسی (۱۳۸۰) صفوی، کوروش، تهران: هرمس
- فرهنگ نام آوایی فارسی (۱۳۷۵) وحیدیان کامیار، تقی؛ مشهد، دانشگاه فردوسی

- فرهنگ کتابهای فارسی (۱۳۶۴) مدبری، محمود، تهران: ویس
- موسیقی شعر (۱۳۷۶) شفیعی کدکنی، محمدرضا، چاپ پنجم، تهران: آگاه